



فرهنگ‌سازی در میان نسل جدید است. ماه مهر فرصتی است تا به یاد بیاوریم که مدرسه فقط یک نهاد آموزشی نیست، بلکه یک جریان اجتماعی است که زندگی همه‌ی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ترافیک صبحگاهی مدارس نیز تنها یک مشکل شهری نیست، بلکه بازتابی از کیفیت مدیریت شهری، سطح فرهنگ عمومی و میزان همبستگی اجتماعی ماست. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در این میان نقش پل ارتباطی میان مردم و مسئولان را ایفا کنند. آنان می‌توانند صدای خانواده‌ها باشند، ایده‌های نو برای کاهش مشکلات ارائه دهند و با آموزش و فرهنگ‌سازی، جامعه را برای همراهی آماده کنند. در نهایت، اگر بخواهیم شهری آرام‌تر، خانواده‌هایی آسوده‌تر و دانش‌آموزانی بانگیزه‌تر داشته باشیم، باید مهر را نه فقط به‌عنوان فصل مدرسه، بلکه به‌عنوان فرصتی برای تمرین همدلی اجتماعی ببینیم. همدلی‌ای که از خانه آغاز می‌شود، در مدرسه ادامه پیدا می‌کند و در خیابان‌های شهر به بار می‌نشیند.

شهری پاسخگوتر خواهند شد و هم مردم نسبت به راه‌حل‌ها آگاه‌تر می‌شوند. اما این کافی نیست. آنچه ما نیاز داریم، هم‌افزایی نهادهی برای بالابردن کیفیت خروجی شورای ترافیک استان است: آموزش‌وپرورش، پلیس راهور، شهرداری و سمن‌ها باید در کنار هم برنامه‌ای منسجم داشته باشند. هرکدام به‌تنهایی نمی‌توانند بار این مشکل را به دوش بکشند. اگر مسئله‌ی ترافیک مهر را تنها به چند روز یا چند هفته‌ی آغاز سال تحصیلی محدود کنیم، در حقیقت صورت‌مسئله را پاک کرده‌ایم. این مشکل ریشه در ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی، نبود مسیرهای امن برای دوچرخه‌سواری و کمبود فرهنگ استفاده از سرویس مدارس دارد که اینجا نقش اثرگذار مدیران مدرسه در هماهنگی و اطلاع رسانی شایان توجه است. بنابراین، نگاه بلندمدت فرمانداران، شهرداران و مدیران شهری باید این باشد که با استفاده از ظرفیت سمن‌ها و همکاری مردم، برنامه‌های توسعه‌ای برای کلانشهرها طراحی کنند. آینده‌ی کلانشهر اهواز و سایر شهرهای مشابه، در گروی سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و

اقدام تأثیر مستقیمی بر کاهش آلودگی هوا خواهد داشت، موضوعی که برای شهری مثل اهواز اهمیت دوچندان دارد. یکی از مهم‌ترین نقش‌های سمن‌ها، آموزش همگانی است. وقتی کودک یا نوجوانی در مدرسه یاد می‌گیرد که رعایت قوانین ترافیک و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی به سود همه است، این فرهنگ به خانواده نیز منتقل می‌شود. تصور کنید اگر در هر مدرسه‌ی اهواز فقط یک جلسه‌ی آموزشی کوتاه با همکاری پلیس راهور و یک سمن محلی برگزار شود، هزاران دانش‌آموز پیام همراهی برای کاهش ترافیک را با خود به خانه خواهند برد. این همان حلقه‌ی اتصال میان مدرسه، خانواده و جامعه است که سمن‌ها می‌توانند به بهترین شکل آن را برقرار کنند. یکی از مهم‌ترین نیازهای خانواده‌ها در مهرماه، احساس همدلی و حمایت است. وقتی خانواده‌ای ببیند که مسئولان شهری، سمن‌ها و حتی رسانه‌ها دغدغه‌ی آنها را جدی گرفته‌اند، آرامش بیشتری پیدا می‌کند. برای نمونه، سمن‌های فعال در حوزه‌ی جوانان می‌توانند کمپین‌های داوطلبانه‌ای برای هدایت دانش‌آموزان در مقابل مدارس و کمک به روان‌سازی ترافیک طراحی کنند. چنین اقداماتی نه‌تنها بار روانی والدین را کم می‌کند، بلکه به خود جوانان هم حس ارزشمندی و اثرگذاری اجتماعی می‌دهد. رسانه‌ها به‌عنوان بازوی آگاهی‌بخشی و مطالبه‌گری، می‌توانند صدای خانواده‌ها و دانش‌آموزان باشند. اگر رسانه‌های محلی در مهرماه به طور ویژه به مسئله‌ی ترافیک مدارس بپردازند، هم مسئولان

تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که استرس ناشی از تأخیر و ازدحام خیابان‌ها، می‌تواند روی روابط والدین و فرزندان اثر منفی بگذارد. بسیاری از دانش‌آموزان در همان ساعات ابتدایی روز با اضطراب و خستگی وارد کلاس می‌شوند و این موضوع، توان یادگیری آنان را کاهش می‌دهد. از طرفی، والدینی که هر روز با استرس ناشی از رساندن فرزندشان به مدرسه و سپس رفتن به محل کار دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دچار خستگی زود هنگام و کاهش بهره‌وری می‌شوند. بنابراین، مدیریت صحیح ترافیک مهر، در حقیقت مدیریت بخشی از سلامت روان جامعه است. سازمان‌های مردم‌نهاد ظرفیت بزرگی در آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی دارند. تجربه نشان داده است که وقتی سمن‌ها در موضوعات اجتماعی ورود می‌کنند، همراهی مردم بسیار بیشتر می‌شود. برای مثال، سمن‌های حوزه‌ی کودک و همچنین انجمن اولیا و مربیان مدارس می‌توانند با همکاری آموزش‌وپرورش، کارگاه‌های کوتاهی برای دانش‌آموزان و والدین برگزار کنند تا فرهنگ استفاده از سرویس مدارس، توجه به علائم راهنمایی و رانندگی، پیاده‌روی گروهی یا دوچرخه‌سواری در مسیرهای امن ترویج شود. این اقدامات هر چند کوچک، در مجموع می‌توانند بخشی از ترافیک را کاهش دهند. سمن‌های حوزه‌ی محیط زیست هم می‌توانند با کمپین‌های هوای پاک در مهر یا یک روز بدون خودرو خانواده‌ها را به استفاده‌ی کمتر از خودروهای شخصی ترغیب کنند. علاوه بر کاهش ترافیک، این

ماه مهر که می‌رسد، خیابان‌های شهر حال و هوای دیگری پیدا می‌کنند. خیابان‌هایی که در تابستان خلوت‌تر بودند، دوباره پر می‌شوند از خودروهایی که والدین با عجله فرزندانشان را به مدرسه می‌رسانند. شور و شوق دانش‌آموزان در روزهای آغازین مهر ستودنی است، اما همزمان ترافیک سنگین، اضطراب صبحگاهی و خستگی ناشی از دیر رسیدن، بخشی از تجربه‌ی روزمره‌ی خانواده‌ها می‌شود. این روزها وقتی در خیابان‌های اهواز و سایر شهرهای خوزستان قدم می‌زنیم، می‌توانیم چهره‌ی خسته والدینی را ببینیم که هم نگران دیر رسیدن فرزندانشان هستند و هم دغدغه‌ی حضور به موقع خود در محل کارشان را دارند. از سوی دیگر، دانش‌آموزانی را می‌بینیم که با کیف‌های پر از کتاب و چهره‌هایی گاه خندان و گاه مضطرب، در میان ازدحام خودروها، ترافیک و بوق‌های ممتد در تکاپوی آغاز سال تحصیلی‌اند. در چنین شرایطی، مدیریت ترافیک شهری فقط یک موضوع فنی نیست، بلکه امری اجتماعی است که به طور مستقیم بر سلامت روان خانواده‌ها و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. به همین دلیل، نمی‌توان مسئله‌ی ترافیک مهر را تنها بر دوش پلیس راهور یا شهرداری گذاشت و ضمن تقدیر از پلیس راهور، این موضوع، نیازمند همکاری همه‌جانبه‌ی دستگاه‌های اجرایی، نهادهای آموزشی، خانواده‌ها و به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) است. ترافیک سنگین صبحگاهی، فقط اتلاف وقت نیست. استرس، تنش در خانواده و خستگی روزانه را نیز به همراه دارد.

سیروس داودی - کنشگر اجتماعی و نماینده سازمان‌های مردم‌نهاد خوزستان مهر معلم، مهر زندگی

گذاشته است. اما یقین دارم بدون مهر، هیچ درسی به جان کودکان نمی‌نشیند. **کلام آخر** آغاز مهر را باید جشن گرفت، نه فقط برای بازگشت به مدرسه، بلکه برای بازگشت به مهرورزی هر کلاس باید مزرعای از محبت باشد و هر معلم، باغبانی صبور. قصه‌ها باید جاری شوند، نگاه‌ها باید گرم باشند و دل‌ها باید با عشق پیوند بخورند. بیاییم امسال در آغاز مهر، تصمیم بگیریم بیش از هر چیز، مهر بورزیم. چرا که «مهر معلم»، «مهر زندگی» است.

رسالت معلمی تنها آموزش کتاب‌ها نیست. رسالت اصلی ما، تربیت دل‌هایی است که تشنه‌ی محبت‌اند. اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و خلاق داشته باشیم، باید از کلاس‌ها شروع کنیم؛ کلاس‌هایی که در آن معلم، قصه‌گو و راهنماست، نه صرفاً حافظ کتاب. من به‌عنوان کسی که سی سال در کنار کودکان بوده‌ام، باور دارم هر لیخند و هر کلمه‌ی محبت‌آمیز معلم، می‌تواند آینده‌ی یک دانش‌آموز را تغییر دهد. شاید ما هرگز ندانیم که کدام لحظه‌ی کوچک، اثری بزرگ در زندگی شاگردمان

لبخند شاگردانم را دیده‌ام و شور آن‌ها در شنیدن قصه‌هایم را حس کرده‌ام، خستگی‌ام پر کشیده است. انگار محبت، جریانی دوطرفه است؛ وقتی می‌بخشی، همان لحظه دوباره به تو بازمی‌گردد. معلمی که با عشق تدریس می‌کند، دیرتر فرسوده می‌شود، بیشتر انگیزه دارد و خودش هم از سلامت روان بهتری برخوردار خواهد بود. **آغاز مهر؛ آغاز دوباره** اکنون که دوباره به آستانه‌ی مهر رسیده‌ایم، باید به یاد داشته باشیم که

کند معلمش او را می‌بیند، صدایش را می‌شنود و تلاش‌هایش را اگر کوچک باشد ارزشمند می‌داند، اعتمادبه‌نفس می‌گیرد. و این اعتمادبه‌نفس، سنگ بنای سلامت روان اوست.

معلم قصه‌گو؛ معلم موفق

است که دل کودک را نرم می‌کند. قصه پلی است میان مفاهیم خشک کتاب و دنیای خیال و احساس بچه‌ها. معلمی که بلد باشد قصه بگوید، در واقع کلید طلایی در دست دارد. او می‌تواند حتی سخت‌ترین مفاهیم ریاضی یا علوم را با یک روایت شیرین و تصویری ساده برای بچه‌ها جا بیندازد. مثالی به یاد دارم از سال‌های اول تدریسم؛ دانش‌آموزی داشتم که از ریاضی گریزان بود. هر چه می‌گفتم و توضیح می‌دادم، گوشش بدهکار نبود. تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم ریاضی را قصه کنم. برایش داستانی از دو برادر دوقلو ساختم که همیشه چیزهایشان را به تساوی تقسیم می‌کردند. همان شد کلید علاقه‌اش به تقسیم. بعدها که بزرگ شد، خودش به من گفت: خانم کاظمی! ریاضی برای من از همان روز قصه‌اش شروع شد. این تجربه نشان داد که معلم قصه‌گو نه تنها درس را منتقل می‌کند، بلکه عشق به یادگیری را در دل دانش‌آموز می‌کارد.

اثر محبت بر معلم

گاهی ما معلمان فراموش می‌کنیم که این مهر و محبت، فقط هدیه‌ای برای بچه‌ها نیست؛ بلکه به خود ما هم بازمی‌گردد. روزهایی بوده که من خسته یا نگران وارد کلاس شده‌ام، اما وقتی

با شروع مهرماه، بوی مدادهای تراش‌خورده و دفترهای نو، مثل نسیمی شیرین در دل من زنده می‌شود. سال‌هاست که در این مسیر، همسفر کودکان و نوجوانان بوده‌ام. قصه‌گو بوده‌ام، مربی بوده‌ام، شنونده بوده‌ام، و شاید مهم‌تر از همه، هم‌دل و همراه. بیش از سی سال است که با چشم‌های کوچک و پرشور بچه‌ها زندگی کرده‌ام و یاد گرفته‌ام که هیچ درسی در دنیا بدون «مهر» ماندگار نمی‌شود. ما معمولاً مهرماه را با «درس و مدرسه» می‌شناسیم، اما فراموش می‌کنیم که واژه‌ی مهر خودش چه معنای بزرگی دارد؛ یعنی عشق، محبت، گرمی و نرمی قلب. معلمی که با مهر تدریس می‌کند، حتی اگر ساده‌ترین کلمه‌ها را به زبان بیاورد، اثرش بر دل و ذهن دانش‌آموز حک می‌شود.

مهر؛ پلی به سوی سلامت روان

در تمام این سال‌ها بارها دیده‌ام که یک کلمه‌ی آرام‌بخش یا یک نگاه مهربانانه‌ی معلم، چه معجزه‌ای می‌تواند در دل یک کودک کند. کودکی که شاید در خانه با مشکلاتی روبه‌روست، یا نوجوانی که از فشارهای اجتماعی و درسی خسته است، در کلاس درس به دنبال پناهی می‌گردد. اگر معلم، چتر محبت خود را بر سر شاگردانش بگسستد، آن کلاس به جای یک محیط خشک آموزشی، به پناهگاهی امن تبدیل می‌شود. سلامت روان دانش‌آموز تنها با نمره‌های خوب تضمین نمی‌شود؛ بلکه با احساس ارزشمندی و دوست داشته شدن است که رشد می‌کند. کودکی که حس

